

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۶

بررسی تشبیه در شعر عشقی به عنوان یک ویژگی سبکی

(ص ۱۰۷-۹۳)

هادی حیدری نیا نایینی (نویسنده مسئول)^۱، سید حسین شهاب رضوی^۲

علی محمد رفیعی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

چکیده

سید محمد رضا میرزاده عشقی، از جمله شاعران عصر مشروطیت و از پیشگامان تجدد ادبی ایران است. وی قبل از شاعری، به خاطر موضع گیریهای تند سیاسی و انتقاد از استبداد سیاسی زمان خود شناخته شده است. در این پژوهش میزان موفقیت و هنرمندی شاعر خوش قریحه عصر مشروطه، میرزاده عشقی، در بکارگیری انواع تشبیه، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان میدهد که با وجود گرایش شاعر به شکستن حصارهای شعر کلاسیک، وی در شاخصه‌های اصلی ادبیات، چون خلق تصویرهای خیالی و بکارگیری عناصر تشبیه مهارت داشته است. ضمن آنکه خواننده، با مطالعه اشعار شاعر به ظرافت طبع و نوگرایی و آوردن مضامین دلنشین در اشعار، که عشقی با ذوق سرشار خود و بدون هیچ تصنعی آنها را به نمایش گذاشته است، پی میبرد. هنر دیگر عشقی آن است که بخوبی توانسته، تصویرهای شعری را در خدمت آرمانهای سیاسی و اجتماعی خود بکار گیرد و انتقادهای تند سیاسی را در قالب تشبیه بیان کند.

کلمات کلیدی: میرزاده عشقی، مشروطه، تشبیه، بلاغت.

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، گروه ادبیات، یزد، ایران heidari_hadi_pnu@yahoo.com

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، گروه ادبیات، یزد، ایران

^۳ دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، گروه ادبیات، یزد، ایران

مقدمه

سید محمد رضا میرزاده عشقی، فرزند حاج سیدابوالقاسم کردستانی در سال ۱۲۷۲ هجری شمسی در همدان متولد شد. با اینکه در سن ۳۱ سالگی شهید شد، بیش از سهم خود شعر زیبا و نثر شیوا به یادگار گذاشت و زیاده‌تر از دیگران به ادبیات معاصر خدمت نمود و طنزهای نوین و شیوه‌های دلنشین ابتکار کرد چنانکه خود گوید:

من تازه شاعرم سخن اینسان سروده ام وای ار که کهنه کارشوم درس‌خنوری
(کلیات مصور عشقی: ص ۵۸)

یکی از مشهورترین اشعار میرزاده عشقی منظومه ایده‌آل یا سه تابلو مریم است. در حقیقت میتوان گفت این منظومه شاهکار ادبی عشقی است و اغلب، میرزاده عشقی را با همین منظومه میشناسند. این شعر از آثار اواخر عمر میرزاده عشقی است خود او هم متوجه برجستگی بیشتر شعر ایده‌آل شده بود به همین دلیل آن را «دیباچه» انقلاب ادبی خوانده است. (از صبا تا نیما، آراین پور: ص ۳۷۶)

اگرچه عشقی در عرصه تجدد ادبی قدمهایی را برداشته، ولی مطالعات وی در ادبیات کلاسیک فارسی چندان عمیق نبوده است. شفیعی کدکنی ضمن اشاره به ضعفهای زبانی و دستوری عشقی در باب جنبه نوگرایانه اشعار او چنین میگوید: «با تمام احترامی که برای عشقی قایلیم، معتقدم که اگر او مطالعه بیشتری میکرد، به دلیل استعداد سنت شکنی که داشت میتوانست خیلی از کارهای نیما را قبل از نیما انجام دهد؛ ولی افسوس که در دوره بحرانی زندگی میکرد و عاقبت عمرش هم وفا نکرد.» (ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۴۵)

غلامحسین یوسفی معتقد است شعر عشقی با وجود لغزشهای ادبی و لفظی که دارد، به دلیل تلاش شاعر در پروراندن موضوعات بدیع و تازه، از ارزش بالایی برخوردار است. (چشمه روشن، یوسفی: ص ۳۷۲)

مهمترین اندیشه حاکم بر شعر عصر مشروطه، آزادی و وطن است. عشقی نیز بخوبی توانسته مضامین حاکم آن دوره را در شعر خود بگنجانند. ضمن آنکه در بین تشبیه‌های موجود در شعر عشقی نیز بخوبی مشاهده میشود که «به مناسبت طرح مسائل سیاسی و انتقادی؛ واژه‌های جدید که به مناسبت در زبان مردم راه یافته بود، نیز در شعر به کار میبرد» (سبک‌شناسی شعر فارسی، غلامرضایی: ص ۲۶۱)

طرح مسأله

یکی از راههای شناخت دقیق یک شاعر و بررسی میزان موفقیت وی در عرصه شاعری، توجه به میزان بهره‌گیری وی از قوه تخیل و تصویر سازی میباشد؛ چرا که این مهم، ملاک تمیز یک شعر تأثیر گذار از نظم معمولی است. عشقی را بیشتر به خاطر شجاعت و صراحت لهجه و انتقادهایش از

اوضاع زمانه در ادبیات سیاسی سدهٔ اخیر می‌شناسند. با بررسی دقیق اشعار این شاعر جوان میتوان اوج قدرت تخیل و تصویرسازیهای زیبا را در قالب تشبیه‌های موجود در اشعار وی مشاهده نمود. نگارنده در این پژوهش به بررسی آن بخشی از شعر عشقی پرداخته، که غالباً از چشم ادیبان دور مانده و لابلای جنبه‌های مختلف زندگی پرماجرایی عشقی مورد غفلت واقع شده است. برای این منظور، انواع تشبیه در اشعار عشقی مورد تحلیل قرار گرفته است. یکی از مباحثی که در علم بیان گستره وسیعی دارد و از نظر تعریف و انواع مختلف آن با اندک تفاوتی مورد اتقاق علمای علم بیان قرار گرفته، « تشبیه » است. « تشبیه » را از صور خیال در شعر دانسته‌اند که در دوره‌های مختلف مورد اقبال و توجه شاعران بسیاری واقع شده و آنها با توجه به ذوق، عاطفه، اندیشه قوه خیال و تاثیر پذیری از میراث ادبی پیش از خود، موفق به خلق گونه‌هایی از تشبیه شده‌اند.

مایهٔ اصلی تشبیه، اغراق و خیال‌انگیزی است و این دو عنصر، تشبیه ادبی خیال‌انگیز را از مقایسه‌های ادبی تشبیه‌گونه متمایز میکند و گفته‌اند فایدهٔ تشبیه اغلب، عاید مشبه میشود. (معانی و بیان، احمدنژاد: ص ۱۴)

نوآوریهای عشقی در تشبیه

قبل از اینکه انواع تشبیه در اشعار عشقی مورد بررسی قرار گیرد؛ لازم است به مواردی از ابداعات و نوآوریهای شاعر در بیان انواع تشبیه اشاره نمود.

یکی از هنرهای عشقی این بوده که توانسته؛ مضامین سیاسی و اجتماعی را نیز در قالب تشبیهات بیان کند. به نظر میرسد این ابیات، حاصل ابتکار و ابداع ذهن شاعر باشد که در بین شاعران قبل وی سابقه نداشته و غالباً تحت تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی زمان شاعر سروده شده است. مانند تشبیه «ادارات» به «مرده شوخانه»:

عمو، تمام ادارات، مرده شوخانه است وزین ره است که این کهنه ملک، ویرانه است
(کلیات عشقی: ص ۱۹۰)

در برخی موارد، صراحت لهجه نیز چاشنی این تشبیهات قرار میگیرد که نشان از شجاعت و جسارت شاعر در بیان حقایق پیرامون وی دارد.

موقع خدمت همه مانند خر جمله اطباش به گل مانده در
(همان: ص ۴۲۴)

چراغ‌الذاکرین مانند زاغ است گمان دارد که مجلس مثل باغ است
(همان: ص ۳۹۹)

وی در برخی موارد، جسارت را به چنان حد بالایی میرساند که وزرای دربار را به الاغهایی تشبیه نموده که وارد طویله میشوند.

روزی که جلسه وزرا منعقد شود دربار چون طویل‌ه شود ز ازدحام خـر
(همان: ص ۴۲۵)

خواهر زن «کرزن»، که محمد علی میرزاست
چون موش، مدام از پی دزدیدن زر بود
مطلبب همسه اینجاست
دیدى چه خبر بود؟
(همان: ص ۴۴۱)

چنانکه ملاحظه می‌گردد، باز هم ویژگی اصلی شعر عشقی نمود پیدا میکند و آن تجلی مضامین سیاسی و اجتماعی در عناصر تشبیه است.

ده مژده که عمر وکلا، عمرسفر بود
دیدى چه خبر بود؟
(همان: ص ۴۴۱)

داستان موش و گربه است عهد ما و انگلیس
موش را گر گربه بر گیرد، رها چون میکند
(همان: ص ۳۳۵)

اگر چه عشقی را به عنوان یک شاعر سنت شکن می‌شناسند، ولی وی هرگز از گنجاندن عناصر خیال و تشبیه، به عنوان ویژگی‌های شعر کلاسیک و سنتی، در اشعار خود غافل نبوده است؛ بطوری که در اشعار عشقی، انواع مختلف تشبیه وجود دارد. در اشعار عشقی، تشبیه در بین سایر انواع صور خیال از بسامد بیشتری برخوردار است و شاعر با مهارت خاص خود توانسته انواع مختلف تشبیه را در خدمت انتقال مفاهیم و مقاصد خود به کار گیرد. چنانکه شاعر توانسته برای بیان مقاصد خود، در کنار تشبیهات ساده ای چون حسی و مفرد، از تشبیه های مرکب و عقلی نیز بهره برد و در کنار مفاهیم موجود در طبیعت، از وجه‌شبه‌های خیالی و حتی مفاهیم سیاسی و اجتماعی نیز استفاده نماید.

۱- چگونگی ارکان تشبیه در اشعار میرزاده عشقی

در بین سروده های عشقی، تشبیه از مهمترین صور خیال به حساب می آید و تعداد بسیار زیادی از تابلوهای تصویری او را به خود اختصاص داده است. این تصویرها بیشتر تجربه شخصی خود شاعر و حاصل نکته سنجی و توجه خود اوست. وی در کشف روابط بین اشیاء و عناصر پیرآمون خود مهارت خاصی دارد. نکته قابل توجه درباره این تشبیه ها آن است که، از ساده ترین انواع تشبیه (حسی به حسی) گرفته تا سایر انواع آن، از بسامد نسبتاً بالایی برخوردار است.

۱-۱ انواع تشبیه از نظر حسی و عقلی بودن ارکان

۱-۱-۱ تشبیه حسی به حسی

در بین این نوع تشبیهات، نمونه هایی از تشبیه حسی به حسی به چشم می‌خورد.
چرا حرف تو هرروزی به رنگی است مگر مغز تو چون توت فرنگی است
(همان: ص ۴۰۰)

شاعر در این بیت « مغز » را به « توت فرنگی » تشبیه نموده است که هردو حسینند.

نمونه های دیگر این نوع تشبیه، در شعر عشقی به شرح زیر است:

« شیخ » به « شاه » (همان: ص ۴۳۶)؛ « کشور » به « ارم » (همان: ص ۳۸۸)؛ « مردم ساده لوح » به « خر » (همان: ص ۴۴۲)؛ « شعر » به « شکر » (همان: ص ۴۳۹)؛ « شاعر » به « آفتاب » (همان: ص ۴۳۱)

۱-۱-۲ مضامین غیر حسی در شعر عشقی

علاوه بر موارد ذکر شده که غالباً از عناصر حسی استفاده شده بود، شاعر از مضامین عقلی و گاهی خیالی نیز در اشعار خود استفاده میکند. عشقی نیز برای بیان برخی مفاهیم عقلی و امور باطنی از مشبه به های حسی بهره گرفته است. تشبیه عقلی به حسی رایج ترین نوع تشبیه است؛ زیرا غرض از تشبیه تقریر و توضیح حال مشبه است و اگر مشبه به محسوس باشد و مشبه معقول به خوبی در ذهن مجسم میشود. (معانی و بیان، شمیسا: ص ۳۷)

چه کردستی به من ای مه؟ که آنی بی تو چون مانم بود عمرم چو زنجیر و شود عالم چو زندانم
(کلیات عشقی: ص ۲۶۴)

شاعر در این بیت، عمر را که مشبه عقلی است به زنجیر که مشبه به حسی است، تشبیه نموده و در بیتی دیگر، با هنرمندی تمام و ایجاد صنعت پارادوکس، طبع چون آتش خود را در روان بودن به آب روان تشبیه نموده، و یک تشبیه عقلی به حسی ایجاد کرده است.

آتشین طبع تو عشقی که روانست چو آب رخ دوشیزه فکر، از چه فکندست نقاب
(همان: ص ۲۱۸)

گفت فکر جمهوری، هست قند هندستان هاتفی زغیب، خوش گرفت عیب
(همان: ص ۲۹۸)

تشبیه فکر جمهوری به قند هندستان، یک تشبیه عقلی به حسی است.

که عشق است آتشی سوزان و بل آتش بتر باشد همانا در دل این آتش، میفروزان که میسوزی
(همان: ص ۲۶۵)

نمونه های دیگر این اشعار نیز به شرح زیر میباشد:

تشبیه « طبع عشقی » به « طعم شکر »؛ « زندگی » به « راه فرار » (همان: ص ۳۱۳)؛ « مرگ » به « درخت آیت » (همان: ص ۲۰۷)

علاوه بر نمونه های تشبیه حسی به عقلی، مواردی نیز تشبیه عقلی به عقلی مشاهده میشود:

صد شکر که عمرش چو زمانه به گذر بود دیدی چو خبر بود؟
(همان: ص ۴۴۱)

عمر « مشبه » و زمانه « مشبه به » هر دو عقلی هستند. در بیتی دیگر، « عمر وکلا » به « عمر سفر » تشبیه شده که هر دو عقلی هستند.

۱-۲ انواع تشبیه از نظر مفرد و مرکب بودن

۱-۲-۱ تشبیه مفرد به مفرد

تشبیه های مفرد از جمله موارد پر تکرار در اشعار عشقی به شمار میرود. مانند مواردی که در زیر به آن اشاره شده است.

آسیا به لقمه (همان: ص ۲۶)؛ خلق به بازیچه (همان: ص ۲۰۹)؛ ادارات به مرده شوخانه (همان: ص ۱۹۰)؛ معشوق به شیرین (همان: ص ۱۸۱)

۱-۲-۲ تشبیه مفرد به مرکب

چهر سیمینش ز بس غنچه غم بفروده چو یکی غنچه که در تازه گلی پژمرده (کلیات، ۲۱۲)

در این بیت چهره معشوق که مشبه مفرد است به غنچه ای که بر بوته گلی تازه پژمرده شده که مشبه به مرکب است، تشبیه شده است.

۱-۲-۳ تشبیه مرکب به مرکب

تشبیه مرکب یکی از پیچیده ترین و زیباترین انواع تشبیه است که در تعریف آن گفته شده هیئت منتزع از چند چیز است. به زبان امروز، تابلو تصویری است ذهنی، که چند چیز در بوجود آمدن آن توأمان نقش داشته باشد. استفاده یک شاعر از تشبیه مرکب، دلیلی بر مهارت و تسلط وی در فنون ادبی دارد. عشقی نیز در اشعار خود از این نوع تشبیه بهره برده است.

تلالویی به عذارش زماهتاب پدید بسان آینه ای در مقابل خورشید (همان: ص ۱۷۵)

شاعر در این بیت، تلالوی حاصل از پرتو مهتاب بر چهره معشوق را به آینه ای مقابل خورشید تشبیه نموده است. شاعر با استفاده از آینه مقابل خورشید که مفهومی واضح تر است، تلالوی عذار محبوب را به تصویر میکشد. در بیت دیگری، افشاندن نور ماه بر پاره ابر را به پنبه ای آتش گرفته تشبیه میکند.

به ابر پاره چو مه نور خویش افشاند بسان پنبه آتش گرفته میماند (همان: ص ۱۷۵)

چنانکه بیان شد، مشبه یا مشبه به مرکب، هیئت منتزع از چند چیز است. در این بیت نیز چهره معشوق که مشبه مفرد است به « غنچه ای که بر بوته گلی تازه پژمرده شده » تشبیه شده است. واضح است که مشبه به در این بیت نمیتواند مفرد لحاظ شود، بلکه طبق تعریف، ترکیبی از چند چیز است. در برخی موارد، هر دو رکن تشبیه، هیئتی انتزاعی از چند چیز است مانند بیت زیر

که « نشستن معشوقه روی سبزه های لب جوی » به « رویدن شاخ گلی روی سبزه ها » تشبیه شده است:

چو روی سبزه لب جوی نشست آهسته بد او چو شاخ گلی روی سبزه ها رسته
(همان: ص ۱۷۵)

در بیتی دیگر تپش قلب را از هول عشق به تپش قلب زرتشتیان هنگام آتش پرستیدن مانند کرده است.

ز هول عشق قلبم در تپش مانند زرتشتی گه آتش پرستیدن، به روز عید نوروزی
(همان: ص ۲۶۳)

در این بیت انعکاس ستاره گان در آب به آینه هایی از مهتاب که در همه جا نقش بسته تشبیه شده است.

سطح آب از اثر عکس کواکب یابی دانه دانه همه جا آینه مهتابی
(همان: ص ۲۰۲)

گهی نظر کند از زیر چشم بر چپ و راست چنانکه در اثر انتظار منتظرین
(همان: ص ۱۷۶)

در بیت بالا شاعر، زیر چشمی نگریستن به چپ و راست را همچون نگاه انسانهای منتظر تصور نموده است.

و یا اینکه در جایی دیگر، نورباران شدن روی زمین بوسیله پرتو مهتاب، به روی نوعروس سفیداب کرده تشبیه شده است.

جهان ز پرتو مهتاب ، نورباران شد چونوعروس سفیداب کرد روی زمین
(همان: ص ۱۷۴)

و یا در جایی دیگر میگوید:

به چشم عشقی دنیا چنان نماید پست که هرزه بازی شش ساله طفل دائم مست
(همان: ص ۱۹۱)

علاوه بر مضمون زاهدانه ای که عشقی در تشبیه خود آن را ترسیم نموده، با تعبیری کاملاً ابتکاری پستی دنیا را به هرزه بازی طفل شش ساله دائم الخمر تشبیه کرده است. در بین تشبیه های مرکب شاعر نیز میتوان مواردی را پیدا کرد که در آن ترکیبات و اصطلاحات سیاسی و

اجتماعی زمان شاعر تأثیر گذاشته است. مانند این بیت که شاعر، چشمان پر نور منقلب را به چشمهای «لنین^۱» هنگامی که انقلاب میشود تشبیه نموده است. بگشت منقلب آنسان دو چشم پر نورش که انقلاب نماید چو چشمهای لنین (همان: ص ۱۹۰)

۱-۳ انواع تشبیه از نظر مقید و مطلق بودن ارکان

مشبه یا مشبه به مطلق، آن است که بدون هیچ قیدی اعم از صفت یا مضاف الیه بیاید. بر خلاف مقید که باید به همراه صفت یا مضاف الیه بیاید. در بین اشعار عشقی، هر دو نوع تشبیه به چشم میخورد.

۱-۳-۱ تشبیه مطلق به مقید

ای مردم چون مرده^۱ استاده^۲ ایران من دختر کسرایم و شهزاده ایران (همان: ص ۲۳۴)

عشقی در این بیت با انتقاد از مردم روزگار خود و بی توجهی آنها به امور سیاسی و اجتماعی خود؛ ایشان را مورد تحقیر قرار داده و به «مرده^۱ استاده^۲» که مشبه به مقید است تشبیه نموده است. شاعر در بیت دیگری، «زندگی» مشبه مطلق را به «راه فرار» مشبه به مقید، تشبیه کرده است.

از عدم آورنده اند و میبرندم در عدم زندگی راه فرار است، از رحم در هر قدم (همان: ص ۳۱۳)

در دل آب چراغانی بود آب یک پرده الوانی بود (همان: ص ۲۳۰)

در مصراع دوم «آب» مشبه مطلق و «پرده الوانی» مشبه به و مقید است. در عهد من این خطه چو فردوس برین بود ای قوم به یزدان قسم این ملک نه این بود (همان: ص ۲۳۵)

به یک سفید کتانی ز فرق تا به قدم چو تازه غنچه بپیچیده پیکرش محکم (همان: ص ۱۸۰)

در مصراع دوم «پیکر» به «تازه غنچه» تشبیه گردیده است.

گاهی نیز هر دو طرف تشبیه، مقید است:

^۱ ولادیمیر ایلچ لنین (۱۸۷۰-۱۹۷۴) بنیانگذار اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۱۷.

خرامنده درختی بُد ، بلند اندام دلجویت نقاب نازکینت را ، هوای باد از رویت
(همان: ص ۲۶۴)

موارد دیگری نیز از این نوع تشبیه در شعر عشقی به چشم میخورد.

« آینه سرزمین افریدون » به « قطعه آتش خونین » و « ایران زمین » به « بهشت برین » (همان، ۱۶۲) « زبان سرخ پوش » به « بیرق خون » (همان:ص۱۹۱)
شرافت و مردانگی در این دوران گذشته از اینکه ندارد ثمر دهد خسران

بسان صحبت نادان و جامه چرمین(همان:ص ۱۸۴)

۱-۴ انواع تشبیه با توجه به تعدد طرفین

۱-۴-۱ تشبیه ملفوف:

تشبیه ملفوف نیز از دیگر انواع تشبیهی است که در اشعار عشقی وجود دارد. و آن عبارت است از اینکه « چند مشبه (حد اقل دو تا) جداگانه ذکر شود و سپس مشبه‌به‌های هر کدام گفته شود. اینگونه تشبیه، مبتنی بر صنعت لف و نشر است » (زیور سخن در بدیع فارسی، صادقیان: ص ۱۴۵)
داستان موش و گربه است عهد ما و انگلیس موش را گر گربه بر گیرد، رها چون میکند
(کلیات عشقی: ۳۳۵)

« ما و انگلیس » (مشبه) و « موش و گربه » (مشبه به) است که به صورت لف و نشر مرتب آمده است. به وجود آوردن تصویرهای انتزاعی و آمیخته از عناصر مختلف، کار هنرمندانه است که عشقی بدون تقلید و با یافته های ذهنی خود آن را به وجود آورده است. چنانچه در تشبیه دیگری؛ شفق و سبزه را به ترتیب به آتشکده و سبزه سرا تشبیه نموده است.
شفق و سبزه، عجب دور نمایی دیدم یعنی آتشکده، در سبزه سرایی دیدم
(همان:ص ۲۰۲)

و یا در این دو بیت، شاعر جویبار و چمنزار (مشبه) را به قلب پر از یأس (مشبه به) و خالهای سفید (مشبه) را به نقطه های امید در دل (مشبه به) تشبیه نموده است.
فکنده نور مه از لابه لای شاخه بید به جویبار و چمن زار خالهای سفید
بسان قلب پر از یأس و نقطه های امید خوش آنکه دور جوانی من شود تجدید
(همان: ص ۱۷۴)

۱-۴-۲ تشبیه مفروق: « در این تشبیه، چند مشبه و مشبه‌به داریم اما هر مشبه با مشبه به

خود همراه است » (معانی و بیان، ۱۳۷۵: ص ۴۸)

صبحدم تازه چو خورشید بدو تابد نور سنگهایش زر و آبش همه سو نقره وش است
(کلیات عشقی: ص ۳۲۹)

در مصرع دوم «سنگ» به «زر» و «آب» به «نقره» تشبیه شده و هر مشبه بدنبال مشبه به خود آمده است.

خلق، بازیچه و خلقت، بچه بازی دیدم
بیش از این فلسفه هم روده درازی دیدم
(همان: ص ۲۰۹)

در مصرع اول «خلق» به «بازیچه» و «خلقت» به «بچه بازی» تشبیه شده است.
تو ز خوبی، شیرین شدی و من، فرهاد
تو کام من بده من تو را نمایم شاد
(همان: ص ۲۸۱)

در مصرع اول «تو» به «شیرین» و «من» به «فرهاد» تشبیه شده است.
۳-۴-۱ تشبیه تسویه: آن تشبیهی است که مشبه، متعدد و مشبه به یکی باشد. یعنی چند چیز را به یک چیز مانند کنند. (معانی و بیان، همایی: ص ۱۵۵) مانند این بیت که شاعر، خانه بدون روشنایی و تاریکی چاشت را به منزل گوران تشبیه نموده است.
خانه بی شمع و سیاه پرده تاریکی چاشت
بنظرگاهی من منزل گوران افراشت
(کلیات عشقی: ص ۲۰۷)

۴-۴-۱ تشبیه جمع: عکس تشبیه تسویه است، یعنی برای یک مشبه، چند مشبه به می آورند. (معانی و بیان، شمیسا: ص ۴۸)

خون دلش خوراک و چو پیراهن شهید
دوشش عبای کهنه، کفن در بر گدای
(کلیات عشقی: ص ۳۱۶)

شاعر در این بیت عبای کهنه خود را به پیراهن شهید و کفنی که بر گدا پوشن مانند کرده است که تشبیه جمع است. و یا در این بیت که شاعر در آن، تخت جمشید را به گهواره ساسانیان و بنگاه تاریخی ایرانیان تشبیه شده است.

این بود گهواره ساسانیان
بنگه تاریخی ایرانیان
(همان: ص ۲۳۳)

شفق ز سرخی، نیمیش بیرق آشوب
سپس ز زردی نیمیش پرده زرین
(همان: ص ۱۷۴)

در این بیت شاعر شفق (مشبه مفرد) را به دو مشبه به، بیرق آشوب و پرده زرین (مشبه به) تشبیه نموده است. در بیت بعدی، «جامه عید» به رخت عزا و کفن خونین تشبیه شده است.

هست هان جامه عید چو تویی و چه منی
بهر من رخت عزا، بهر تو خونین کفنی
(همان: ص ۲۳۶)

در این بیت «جامه عید» به رخت عزا و کفن خونین تشبیه شده است.

علاوه بر مشبه و مشبه به، گاهی وجه شبه نیز به صورت متعدد می آید:
چو من ز حسن طبیعت که قدر میداند مگر کسان چو من مو شکاف و نازک بین
(همان: ص ۱۷۵)
چرا که در شب مه فکر نیز نورانی است چنانکه دل شب تاریک تیره است و حزین
(همان: ص ۱۷۴)

۱-۵ انواع دیگر تشبیه

۱-۵-۱ تشبیه مضمّر

از زیباترین انواع تشبیه، تشبیه مضمّر است؛ « تشبیه مضمّر به معنی تشبیه پنهان است. در این نوع تشبیه، ظاهراً به ساختار تشبیهی مواجه نیستیم ولی مقصود گوینده تشبیه است» (معانی و بیان، شمیسا: ص ۴۹)

با وجود اینکه اکثر تشبیه ها در اشعار عشقی، به صورت صریح است، ولی در برخی موارد شاعر به شکل هنرمندانه‌ای از تشبیه مضمّر بهره برده است.

حباب سبز چه رنگ است شب ز نور چراغ نموده است همان رنگ، ماه منظر باغ
(کلیات عشقی: ص ۱۷۵)

در این بیت، منظره تابش ماه بر روی باغ به صورت پوشیده به تابش نور چراغی در پس حباب سبز رنگ تشبیه شده است. در بیت بعدی، شاعر به طرزی هنرمندانه چهره برافروخته معشوق را به ماه تشبیه نموده، که گویی خیال چنین تشبیهی را نداشته است.

فتاده بود عکس مه بر آب این عجب ما را که مه دیگر چه افروزد ، همانا چون تو افروزی
(همان: ص ۲۶۳)

ز سایه روشن عمرم رسید خاطر من گذشته های سپید و سیاه زسوز محن
(همان: ص ۱۷۵)

در مصرع اول « سایه روشن » عمر به صورت پوشیده به روز و شب تشبیه شده است.
ز اظهار درد ، درد مداوا نمیشود شیرین دهان به گفتن حلوا نمیشود
(همان: ص ۳۳۹)

تو کجا و همسری با این دو تن مرد شهیر هیچ دیدی همنشین بلبان گردد زغن
(همان: ص ۴۳۰)

در بیت فوق مخاطب را به صورت پوشیده به «زغن» و دو شاعر را « بلبل » تشبیه نموده است.

۱-۵-۲ تشبیه تفضیل

علاوه بر موارد فوق، نمونه هایی از تشبیه تفضیل نیز در اشعار عشقی وجود دارد. « نخست مشبه را به چیزی تشبیه کنند و سپس از گفته خود عدول کرده، مشبه را بر مشبه به ترجیح

نهند». (معانی و بیان، شمیسا: ص ۵۰) مانند این بیت که شاعر روشنی عالم را به فکرهای عرفانی تشبیه و حتی از آن روشن تر و درخشانتر دانسته است.

جهان سپیدتر از فکرهای عرفانیست رفیق روح من آن عشقهای پنهانیست
(کلیات عشقی: ص ۱۷۴)
بخور تصدق بادام چشمهات بخور فدای آن لب شیرینتر از نبات بخور
(همان: ص ۱۷۷)

در مصرع دوم این بیت لب معشوق را به نبات مانند کرده و آن را از نبات هم شیرین تر تصور نموده است.

فتاده بود عکس مه بر آب و این عجب ما را که مه دیگر چه افروزد همانا چون تو افروزی
(همان: ص ۲۶۳)

در این بیت شاعر به اضمار، رخ معشوق را به ماه تشبیه نموده و فروزندگی چهره معشوق را بر ماه برتری داده است. در مصرع اول بیت بعدی، رخ معشوق به شمع تشبیه شده و روشنی آن را بر شمع برتر دانسته است.

بهتر از شمع، رخس می افروخت شمع از رشک رخ او میسوخت
(همان: ص ۲۱۲)

عاقبت بر در استخر نمودم منزل خانه بیوه زنی تنگتر از خانه دل
(همان: ص ۲۰۲)

در مصرع دوم این بیت تنگی خانه بیوه زن به دلتنگی تشبیه شده است و آن را تنگتر از دل ترسیم نموده است. در بیت بعدی نیز در مصرع اول شجاعت شخصی را به شیر تشبیه نموده و برتری داده است و در سخاوت و بخشندگی او را به حاتم تشبیه و برتری داده است.
شد او اندر شجاعت آن، کز او درمانده ضیغم شد شد او اندر سخاوت آن، کز او شرمنده حاتم شد
(همان: ص ۳۳۳)

نه روباهای اما به مودگیری ز روبه صد اندازه مودی تری
(همان: ص ۳۹۵)

در این بیت، شاعر، شخصی را در مودگیری از روباه بالاتر دانسته است.

بخور که نیست به از این شراب اندر دهر برای من که نخوردم بتر بود از زهر
(همان: ص ۱۷۶)

در این بیت شراب را به زهر و بدتر از آن تشبیه نموده است.

۱-۵-۳ تشبیه تمثیل

یکی از زیباترین و پیچیده ترین انواع تشبیه؛ نوع تمثیلی آن است. « تشبیه تمثیل، به راستی گونه پرورده و گسترده تشبیه آمیغی (ترکیبی) است؛ و پر مایه ترین و هنری ترین گونه تشبیه نیز همان تواند بود. » (بیان، کزازی: ص ۵۷)

شد آن فرشته در آن سبزه زار گلدسته

گل ارچه بود شد از سبزه نیز آراسته

(کلیات عشقی: ص ۱۷۵)

در آرو پا آسیا را لقمه ای پنداشتند

بی خبر کآخر نگنجد کوه در حلقوم گاه

هر یک اندر خوردنش چنگالها برداشتند

گر که این لقمه فرو بردند روی من سیاه

(همان: ص ۲۴۰)

کودتا هم کام او شیرین نکرد

این حنا هم دست او رنگین نکرد

(همان: ص ۲۷۹)

۱-۵-۴ تشبیه بلیغ:

در ابیات عشقی، نمونه هایی از تشبیه بلیغ نیز مشاهده میشود. تشبیه بلیغ به دو صورت اضافی و غیر اضافی به کار میرود. نوع اضافی آن، در دستور زبان فارسی (اضافه تشبیهی) نامیده میشود.

بخور تصدق بادام چشمهات بخور

فدای آن لب شیرینتر از نبات بخور

(همان: ص ۱۷۷)

در مصرع اول « چشم » به « بادام » تشبیه شده است و وجه شبه و ادات تشبیه ذکر نشده

است. و در بیت بعدی، « طبع » به « آتش » و « فکر » به « دوشیزه » تشبیه شده است.

آتشین طبع تو عشقی که روان است چو آب

رخ دوشیزه فکر از چه فکنده است نقاب

(همان: ص ۲۱۸)

نمونه های دیگر از این نوع تشبیه نیز وجود دارد: شکر طبع (همان: ص ۴۳۹) طفل گیاه (همان:

ص ۳۲۹)

تشبیه بلیغ گاهی نیز به صورت غیر اضافی آورده میشود، به این معنی که دو رکن تشبیه و

مشبه به هم اضافه نمیشود و نمونه هایی از آن در شعر عشقی نیز وجود دارد؛ مانند این مثال که

در آن، « من » (شاعر) به دم شیر تشبیه شده است، و تشبیه فاقد وجه شبه و ادات تشبیه

میباشد.

من دم شیرم به بازم

کس نه به بازی گرفته است دم شیر

(همان: ص ۳۴۲)

به روز شنبه مجلس کربلا شد

به دولت روی اهل شهر و شد

(همان: ص ۲۷۹)

شیر هم باشیم اگر روبه دهر است او را روباه معروف است، مغموم میکند
(همان:ص ۳۲۴)

در مصرع اول « ما » به « شیر » تشبیه شده و « او » به « روبه » تشبیه شده است.

نتیجه‌گیری:

اگرچه شهرت عشقی بیشتر به درونمایه های سیاسی و اجتماعی و تاحدی نیز مضامین عاشقانه ای است که در اشعار خود متجلی ساخته، ولی میتوان تا حدودی نیز وی را شاعری تشبیه گرا دانست؛ که به خوبی توانسته فن تشبیه را در خدمت مضامین سیاسی و اجتماعی درآورد. تصاویر زیبا و خیال انگیز اشعار عشقی، نشان از ذوق سرشار شاعری دارد که کمترین اهتمامش به صناعات بلاغی در شعر است. از سوی دیگر تنوع انواع صنایع بلاغی به کار رفته در کلیات اشعار وی نشان از توانایی شاعر، در ارائه نمونه های زیبا و ماندگار ادبی است. وی در تشبیهات خود گاه چنان عبارات و ترکیبیهایی بکار میبرد که مخاطب، وی را شاعری اهل سیاست و بدون هیچ جنبه عاطفی تصور میکند. و در جایی دیگر با احساس سرشار خود چنان تشبیهات ترکیبی می‌آفریند که برای خواننده، اشعار شاعران کلاسیک ادبیات فارسی تداعی میشود. اگر چه در برخی اشعار عشقی سادگی و وضوح صفت غالب تشبیه‌های شاعر است، ولی در برخی موارد تشبیهات دور از ذهن و غریب نیز مشاهده میشود. مانند تشبیه آبشار جاری از کوه به نقره ذوب شده:

آبشار از کمر کوه، چو ریزد به نظر نقره ذوب شده، از سر زر در پرش است
(همان: ص ۳۲۹)

و یا تشبیه میزان پستی دنیا در چشم عشقی به هرزه بازی طفل شش ساله دائم مست.
به چشم عشقی دنیا چنان نماید پست که هرزه بازی شش ساله طفل دائم مست
(همان: ص ۱۹۱)

منابع و مأخذ:

- ۱- ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی محمدرضا، ۱۳۵۹، تهران: توس.
- ۲- از صبا تا نیما، آرین پور، یحیی، ۱۳۸۲، جلد ۲، چاپ هشتم، تهران: زوار.
- ۳- بیان و معانی، شمیسا، سیروس، ۱۳۷۵، تهران: فردوس.
- ۴- بیان، کزازی، میر جلال الدین؛ ۱۳۷۵، تهران: کتاب ماد.
- ۵- چشمه روشن یوسفی، غلامحسین؛ ۱۳۷۱، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی.
- ۶- زیور سخن در بدیع فارسی، صادقیان، محمدعلی، ۱۳۷۵، یزد: دانشگاه یزد.
- ۷- سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی، محمد؛ ۱۳۸۷، چاپ سوم، تهران: نشر جامی.
- ۸- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۵۸، چاپ سوم، تهران: آگاه.

- ۹- کلیات مصور عشقی، مشیرسلیمی، علی اکبر؛ ۱۳۵۷، تهران: جاویدان.
۱۰- کلیات مصور میرزاده عشقی، عشقی، محمد رضا؛ ۱۳۷۵، به کوشش حائری، تهران: جاویدان.

مقالات

- ۱- « بررسی و تحلیل سبک اشعار میرزاده عشقی»، یداله بهمنی مطلق، ملاحظت نجفی عرب، سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، پاییز ۸۹، شماره ۹، صص ۱۰۵-۹۱.